



نشریه
چهارشنبه

نشریه پیام شهدا

آنچه در این شماره از نشریه میخوانید :

مقدمه

سخن سردبیر

هنر معلمی

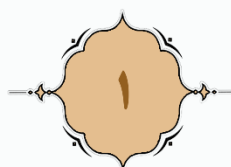
الفبای عشق

خواهر شهیده من

معرفی کتاب

دلنوشته

کلام آخر



شناسنامه نشریه

عنوان نشریه : پیام شهدا

شماره : نشریه شماره شانزدهم / سال سوم

زمینه : فرهنگی / دینی / قرآنی

تاریخ انتشار : اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

مدیر اجرایی و روابط عمومی : کیانوش زارع

محل انتشار : خانه نشریات دانشجویی تشکل

مجمع اسلامی دانشجویان گام دومی ها

دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

شماره مجوز : ۴۸۱۸

صاحب امتیاز : کانون شاهد و ایثار

مدیر مسئول : یاسمین صبوری دارابی

سر دبیر : نیلوفر زاهدی

طراح و نویسنده : نیلوفر زاهدی

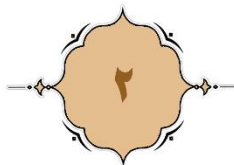
پست الکترونیک : payamshohada@gmail.com

نشانی : فارس / داراب / خیابان دانشجو /

دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

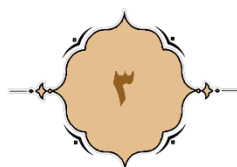
شماره تماس جهت انتقادات و پیشنهادات :

۰۹۰۲۶۱۷۰۴۹۸



فهرست

- ۱ آنچه در این شماره از نشریه میخوانید
- ۲ شناسنامه نشریه
- ۳ فهرست
- ۴ سخن سردبیر
- ۵ مقدمه
- ۶ هنر معلمی
- ۷ الفبای عشق
- ۸ خواهر شهیده من
- ۹ معرفی کتاب
- ۱۰ دلنوشته
- ۱۱ سخن آخر

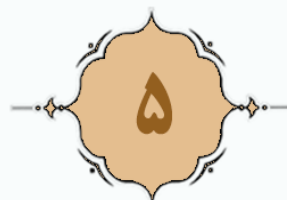


سخن سردبیر

سلام بر تو ای گوهر گرانقدر و ای دُر گرانبهای قله های ایثار و استقامت، تو با نسیم علم و دانشت، طراوت خاصی به این بدن های خواب و نا آگاه ما بخشیدی، تو باعث شدی تا ما از تاریکی و ذلت جهل بسوی روشنایی و سر بلندی علم و از غبار کده بی معرفتی و نا آگاهی به سوی دهکده علم معرفت راه یابیم. به راستی اگر تو نبودی چه کسی دستگیر ما را از طوفان سهمگین زندگانی شده، و ما را به سوی کشتی پر بار علم و معرفت راهنمایی میکرد. مگر نه این است که تو چراغ راه ما در این دهکده امتحان و بلکه ظلمت کده غفلت و از خدا بی خبری شدی. تو که بعنوان یک معلم دلسوز هیچگاه دست پر مهر و محبت و مملو از امیدت را از سر ما برنداشتی و شب و روز به راه درست و صراط مستقیم بودی. همان راهی که تمام پیامبران الهی و امامان معصوم (ع) تا آخرین نفس شان سعی داشتند مردم را از منجلاب غفلت و انحراف بسوی رستگاری ابدی سوق دهند و راهی که فلاح و رستگاری ما در آن نهفته است. پس این تو بودی ای معلم آزاده که آزادی و آزادگی را به ما آموختی و به ما یاد دادی که چگونه با سلاح برنده ایمان خود را از زنجیر های اسارت و بردگی این دنیای دنی رهانید. سلام ابدی ما نثار گام های استوار تو باد ای معلم عزیز، تو باعث شدی تا ما، آفریدگار حقیقی خودمان را بشناسیم و به دستورات او عمل کنیم و با کارهایی خدا پسندانه خود ما به جای نارضایتی او، سایه لطف و مهربانی اش را بر سر ما احساس کنیم. بهشت جاویدان جایگاه ابدیت باد ای معلم عزیز. بار دیگر روزت مبارک باد

مقدمه

شرافت و مرتبت معلم زمانی اهمیت دارد که بتواند شان خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان به هدف متعالی خلقت یعنی عبادت را برقرار سازد. لذا در این تعریف شهید مرتضی مطهری یکی از آن معلمان راستین است ، که اولاً با نگاه ترکیبی به همه معارف بشری نظر می کند و ثانياً تمامی تلاش های علمی و عملی را مقدمه ای برای عبادت میدانند و در این راه به مرحله سوم دینداری راه می یابد و با شهادت، عبادت عملی و علمی خود را کامل میسازد . خداوند را می خوانیم که او را با سالار و سرور شهیدان امام حسین (ع) محشور سازد.



هنر معلمی

معلمی شغل و حرفه نیست ، بلکه ذوق و هنر توانمندی است معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی است. در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد ، به این هنر خداوند اشاره شده است :

اقرا باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ و ربك الاکرم، الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. (علق: ۱- ۵)

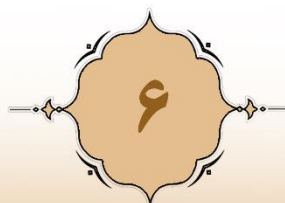
بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت بخوان ! و پروردگارت کریمترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست .

در این آیات خداوند، خود را «معلم» می خواند و جالب این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است .مقام معلم بودن خدا، بعد از آفرینش قرارداد. نوعی انسانی را که هیچ نمی دانست ، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد :

چو قاف قدرتش دم بر قلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد

از این رو، می توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است.. شهید ثانی رحمت الله
درباره هنر معلمی خداوند می فرماید:

خداوند از آن جهت به وصف (اکرمیت) و نامحدود بودن کرامتش، توصیف شد که علم و دانش را به بشر ارزانی داشته است. اگر هر مزیت دیگری، جز علم و دانش ، معیار فضیلت به شمار می رفت شایسته بود همان مزیت با وصف (اکرمیت) در ضمن این آیات همراه و هم پا گردد و آن مزیت به عنوان معیار کرامت نامحدود خداوند به شمار آید. بیان شده است. چنین تعبیری می فهماند که عالی ترین نوع کرامت پروردگار نسبت به انسان با والاترین مقام و جایگاه او، یعنی علم و دانش هم طراز است .



الفبای عشق

معلم عزیز! آن زمان که پای درست می نشستیم و تو الفبای عشق را
به من می آموختی، دلم از گوهر کلمات خالی بود و من با انبوهی
از حرف ها به خانه بر می گشتم و شبانگاهان ، با یاد تو به خواب می رفتم
سال ها از آن لحظات شیرین میگذرد، ولی هنوز یاد و نامت در دلم زنده است و
تو را می ستایم که همچون انبیا، به تعلیم و تربیت عشق می ورزی. آن زمان برایم
از دانایی می گفتی، محبت را می آموختی و زندگی را هجا می کردی، و
من در سایه سار وجودت پیش می رفتم و قدم امروز به احترام نامت
قیام می کنم، در زلال کلماتت رها می شوم و حدیث زندگی را
با تو مرور می کنم. از قدم برمی داشتیم. تو بودی که دست مرا
گرفتی تا در پرتگاه ها و لغزش گاه های زندگی نیفتم.

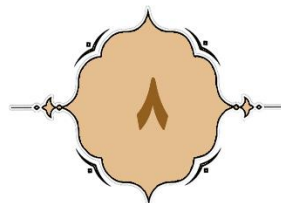
خواهر شهیده من

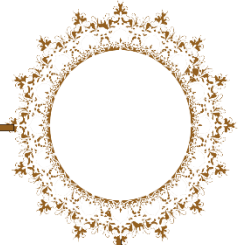
فائزه جان من از شما آموختم؛ دانشجو بودن شهامتی با بصیرت و زمان شناسی می طلبد، همان چیزی که راهتان را به شهادت ختم کرد و این سخن شهید بهشتی را برایم یاد آور شد که می فرمایند: دانشجو مؤذن جامعه است، اگر مؤذن جامعه خواب بماند نماز امت قضا می شود .

آری اولین دشمنی که می تواند بر نفس ما بتازد غفلت است؛ اما دانشجو نباید اسیر خواب غفلت شود، دانشجوی آرمانی من عجب حکایتی داشت واژه هایت ، واژه هایی که لوزه می افکند بر تن ستم گران و امید دل مظلومان بود. دلیم می خواهد چون تو باشم، دانش بجویم و با آن سد کنم راه کسانی که تنها ادعای روشنفکری دارند، راه کسانی که گمان می کنند روشنفکری به معنای خیانت به زادگاه و یا آن که به معنای تحریم غیرت است. خواهر شهیده من؛ من می خواهم چون شما مشیت بزخم بر دهان چپاولگران خاکم مشتی گره خورده ، که برای امثال آنها همچنان بسته مانده و خواهد ماند تا پیروزی حق علیه باطل . پس یاریم ده برای وطنم ، گام هایی بردارم که بلرزاند دل خیانت گران به فرهنگ اسلامیم را یاری ده تا در زمینه سازی ظهور حضرت حجت (عج) ایفای نقش کنیم و یاریمان ده ، تا بت نفسانیت مان را پای دل های صاف مردمان بشکنیم و چون شما بانوی شهیده که ثابت کردید در باغ شهادت باز، باز است خار چشم کور دلانی شویم که راه عشق را بی رهرو می بینند .

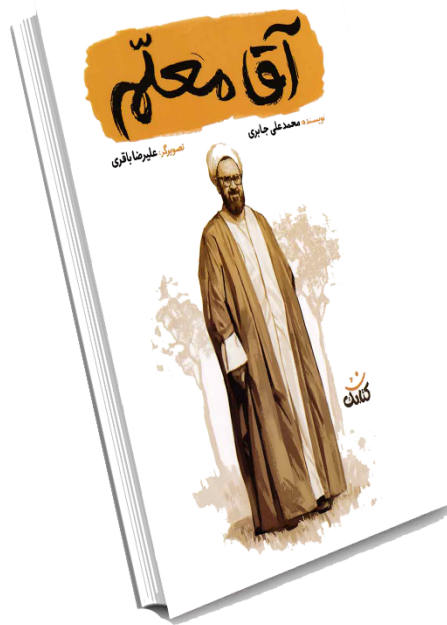
تقدیم به روح مطهر دانشجو معلم

(شهیده فائزه رحیمی)





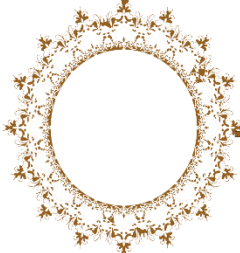
معرفی کتاب



معلم بزرگ ایران زمین در میانه ی زمستان سال ۱۲۹۸ در شهر فریمان به دنیا آمد. از همان کودکی علاقه ی زیادی به کتاب داشت. در ۱۲ سالگی به حوزه ی علمیه ی مشهد رفت و بعد از شش سال تحصیل راهی قم شد تا پای درس استاد های بزرگی مثل امام خمینی و علامه طباطبایی و... بنشیند. استاد بعد از ۱۵ سال تحصیل در قم در سال ۱۳۳۱ به تهران رفت تا آموخته هایش را به دانشجویان یاد دهد. استاد مطهری در تهران، هم درس می داد، هم کتاب می نوشت و هم با رژیم شاه مبارزه می کرد. فعالیت های او علیه شاه باعث شد، تا منبر هایش را تعطیل کنند، مانع تدریس او در دانشگاه شوند و حتی او را به زندان بیندازند. استاد مطهری پس از عمری تلاش و کوشش در سن ۶۰ سالگی به دست منافقان به شهادت رسید.

کتاب آقا معلم دارای فصل هایی با عناوین زیر می باشد:

در یک نگاه، مکتب خانه، کره ی زمین، آبروی خراسانی ها، بالاتر از بیست داستان راستان، بیمارستان، غیبت استاد، راننده، دیر موقع بود و



دانشنامه

همیشه فکر می‌کردم معلم کسی است که سر کلاس درس میدهد ، امتحان میگیرد ، و زیاد و کم نمره میدهد و تمام . اما با گذر زمان فهمیدم معلم ها قدرت عجیبی دارند . آنها میتوانند دید آدم ها را به زندگی تغییر دهند . فهمیدم معلم ها همیشه در مدرسه نیستند . معلم می‌تواند همان کودکی باشد که تمام ناراحتی و دلخوری اش به چند دقیقه نرسیده تمام می‌شود . کودکی که کینه به دل نمی‌گیرد و درس بخشش میدهد معلم می‌تواند ، همان جوانی باشد که برای آرزوهایش می‌جنگد و درس تلاش می‌دهد .

معلم می‌تواند همان سالمندی باشد که به فرزندان و نوه هایش بی انتها عشق می‌ورزد و هیچ‌کس مهربانی و عشق را به خوبی او یاد نمی‌دهد. دنیا پر از معلم است ؛ معلم‌هایی که جدا از سن و سال ، جدا از تحصیلات درس زندگی می‌دهند هر کدام از ما می‌توانیم حتی برای یک نفر معلم باشیم ؛ به شرط آنکه در زندگی ، چیزی برای یاد دادن داشته باشیم ...

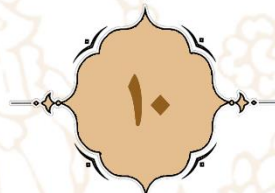
مریم حسینی نژاد سدهی

مقطع کارشناسی

من در کلاس شکوه تو، برای دومین بار متولد شده‌ام؛ از همان روز که درس مهربانیت چراغ زندگی ام شد تا کوره راه های جهل و تاریکی را در پرتو پر فروغش، به سلامت پشت سرگذارم. هر چه بیشتر تو را سر مشق خود قرار دادم، راه برایم روشن تر شد و خورشید علم و دانش زندگی ام را حرارت بیشتری بخشید . سال ها میگذرد اما من هنوز به آبی بیکران نگاهت می‌اندیشم که مشتاقانه ، صدفهای گهر بار آگاهی را در دستهای من لبریز میکرد. میخواستی بدانم و دانایی را با زمزمه های مهربانیت، در روح و جان من تلقین میکردی

یاسمین صبوری دارابی

مقطع کارشناسی



کلام آخر

قلم در دست میگیری و بر لوح دلم نقش ها می زنی از بهترین یاد ها
و نام ها نقشی از گل محمدی ، از پدر، از مادر، از آبی آسمان و نقشی ماندگار
از خدا با قلمدانی خالی از دانایی به مکتب می آیم و با توشه های فراوانی از قلم و علم
و ادب و سوال و جواب و دانستن، بدرقه ام می کنی ، مهربان تر از تو دایه ای دیده ای این گونه
با سخاوت و سخن شناس و دل آگاه ؟ اینجاست که معنی این کلام مشهور را بهتر می فهمم که:
«اگر به جای اسلحه، با معلم به جنگ دنیا می رفتیم، همه دشمنان نابود می شدند.»
ای ابر پرسخاوت دانش! باز هم فرو بار و دل به روزهایی ببند، که نهال هایی
را که در زمین دانایی به دست تدبیر و مراقبت و خون دل کاشتی ثمر
دهند این برترین پاداش معلمی است...

روزت مبارک

